

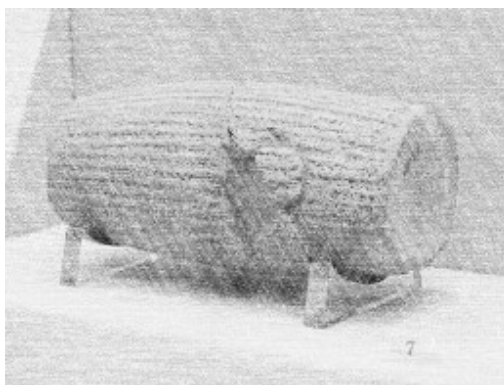


کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

بیانیه نوع دوستی (منشور کوروش بزرگ)

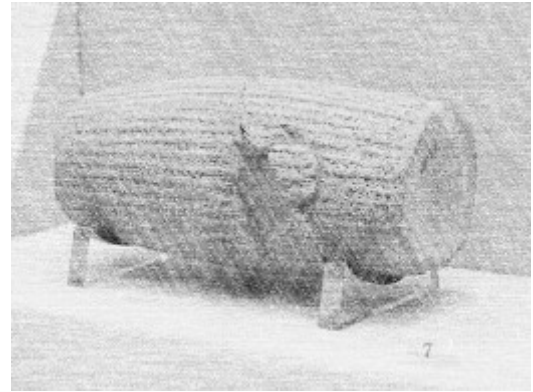
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳ شهریور ۱۳۹۳ / ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

حتما برای شما هم جای سوال داره که چرا منشور کوروش بزرگ رو به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر میدونند، قصد توضیح دادن ندارم، قرار نیست کلی نظریه علمی از دانشمندهای مختلف ارائه بدم و بگم ببینید چه دلایل محکمی، فهمیدن این موضوع رو به عهده خودتون میذارم، کتیبه کوروش بزرگ رو که به مناسبت فتح بابل نگاشته شده است با کتیبه های پادشاهان قبل مقایسه کنید کتیبه آشورنصیرپال (پادشاه آشوری) : به فرموده خدایان بزرگ آشور و ایشتار، من با لشکر و ارابه های جنگی خود به شهر گینابو حمله بردم و آنجا را به یک ضرب شست تصرف کرد



حتما برای شما هم جای سوال داره که چرا منشور کوروش بزرگ رو به عنوان اولین بیانیه حقوق بشر میدونند، قصد توضیح دادن ندارم، قرار نیست کلی نظریه علمی از دانشمندهای مختلف ارائه بدم و بگم ببینید چه دلایل محکمی، فهمیدن این موضوع رو به عهده خودتون میذارم، کتیبه کوروش بزرگ رو که به مناسبت فتح بابل نگاشته شده است با کتیبه های پادشاهان قبل مقایسه کنید کتیبه آشورنصیرپال (پادشاه آشوری) : به فرموده خدایان بزرگ آشور و ایشتار، من با لشکر و ارايه های جنگی خود به شهر گینابو حمله بردم و آنجا را به یک ضرب شست تصرف کردم. ششصد نفر سپاهیان دشمن را بی درنگ سر بریدم، سه هزار نفر اسیر را زنده زنده در آتش سوزاندم و حتی یک نفر را زنده نگذاشتم، من حاکم شهر را به دست خود پوست کندم و پوشتش را به دیوار شهر آویختم. از آنجا به شهر طلا روان شدم. چون مردم آن سرزمین به عجز و التماس نیفتادند و تسلیم من نشدند، از این رو به شهرشان یورش بردم و دروازه آن را نیز گشودم. سه هزار نفر از آنها را از دم تیغ گذراندم. بسیاری دیگر را در آتش کباب کردم. اسرای بی شماری را از آنها گرفتم، دست و انگشت و گوش و بینی آنها را بریدم و هزاران چشم از کاسه و هزاران زبان از دهان بیرون کشیدم. از اجساد کشته شدگان پشته ای ساختم و سرهای بریده آنها را به تاک های بیرون شهر آویختم. کتیبه آشور بانیپال (پادشاه آشوری) : من شهر بزرگ و مقدس را به خواست خدایان آشور گشودم. من وارد کاخ های معبد شهر شدم و هر آنچه از سیم و زر و مال فراوان بود، همه را به غنیمت برداشتم. من همه ی آجرهای زیگورات شوش را که با سنگ لاجورد تزیین شده بود، شکستم. من تمامی معابد عیلام را با خاک یکسان کردم، شهر شوش را به ویرانه ای تبدیل کردم و بر زمینش نمک پاشیدم. من همه ی دختران و زنان را به اسارت گرفتم. از این پس دیگر کسی صدای شادی مردم و سم اسبان را در عیلام نخواهد شنید. کتیبه نبوکدنصر (پادشاه بابلی) : فرمان دادم صدهزار چشم در آوردن و صدهزار ساق پا را بشکنند. من با دستان خود چشم فرمانده دشمن را در آوردم و هزاران دختر را در آتش سوزاندم. سپس خانه های شهر را چنان ویران کردم که دیگر هیچ بانگ شادی از آن برنخواست. کتیبه کوروش بزرگ آنگاه که من بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک خدای بزرگ دل های پاک مردم بابل را متوجه من کرد زیرا من او را ارجمند و گرامی . هنگامی که ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد، نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین واری آید. وضع داخلی بابل و جایگاه های مقدسش قلب مرا تکان داد... من برای صلح کوشیدم. من برده داری را برانداختم و به بدبختی آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم همه ی مردم در پرستش خدای خوی آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند...

کوروش بر خلاف روش های وحشیانه معمول در آن زمان، در شهرهایی که به تسخیر در می آورد کشتار نمی کرد، به دین و مذهب ملت های شکست خورده احترام می گذاشت و حتی به هزینه خود معابد و پرستشگاه های مخروبه آنها را نوسازی و رونق م داد. برای مثال، پس از تسخیر بابل بود که معابد اسگیله و ازیده را تعمیر کرد و دستور داد معبد سلیمان(ع) را در اورشلیم (بیت المقدس) از نو بسازند. او حتی پس از کشته شدن بلشصر پسر پادشاه بابل دستور حتی در دربار پارس نیز عزای عمومی اعلام شود. او پس از اینکه سرزمین لیدی را تسخیر کرد، از خود اهالی آنجا حکمرانی برای مردم تعیین نمود. دستور داد شهر صیدا را که بخت النصر پادشاه پیشین بابل نیمه ویران کرده بود، نوسازی کنند و دارای پادشاه شود. کوروش میل نداشت در روح و روان ملت های شکست خورده، احساس حقارت و خفت بوجود بیاورد و یا دین و آداب و رسوم و عواطفشان را خار دارد و آنها را ناامید و بی پناه کند. با پادشاهی کوروش در قرن ششم قبل از میلاد، دوره خونریزی و خونخواری و ویرانگری به پایان رسید و دوره نوینی آغاز شد که برعکس دوره های پیشین، صلح و انسان دوستی رواج یافت، حقوق و عواطف انسانی مورد توجه قرار گرفت، دادرسی و دادگری در اجتماعات انسانی رونق یافت و ارزش انفرادی و اجتماعی انسان مورد احترام واقع شد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «بیانیه نوع دوستی (منشور کوروش بزرگ)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1542/pdf/بیانیه-نوع-دوستی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵